

کدامین اسفندیار

قهرمان گستراننده دین بهی یا کشته سریر قدرت؟

نویسنده
سیامک شیرمردی



نشر نیروز

سرشناسه	: شیرمردی، سیامک، ۱۳۳۰-
عنوان قراردادی	: شاهنامه. رستم و اسفندیار. شرح
عنوان و نام پدیدآور	: کدآمین اسفندیار: قهرمان گستراننده دین بهی یا کشته سریر قدرت؟/نویسنده سیامک شیرمردی
مشخصات نشر	: تهران: دنیای نو، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۵ص: ۱: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	: 978-964-172-173-4
موضوع	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ق. شاهنامه -- شخصیت‌ها
موضوع	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ق. شاهنامه. اسفندیار -- نقد و تفسیر
شناسه افزوده	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ق. شاهنامه. اسفندیار. شرح
شناسه افزوده	: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh. Esfandiar. Commantries
رده بندی کنگره	: ۲۴۹۶PIR
رده بندی دیویی	: ۸۸۱/۲۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۷۷۰۲۰۰



نشر دین

کدامین اسفندیار

• قهرمان گستراننده دین بهی یا کشته سریر قدرت؟

• نویسنده: سیامک شیرمردی

طراح جلد: سیامک شیرمردی، امور چاپ: کسری

چاپ اول: ۱۴۰۱، شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۷۲-۱۷۳-۴

نشر دنیای نو: تلفن: ۶۶۹۷۰۴۷۲ دورنگار: ۶۶۴۹۱۹۰۸

donyayenopub@gmail.com

کتاب یاشار: خیابان انقلاب-خیابان ۱۲ فروردین تلفن: ۶۶۴۰۲۵۷۱

@yasharbook @ ۰۹۰۲۶۴۰۲۵۷۱

قیمت: ۹۹۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۱	 مقدمه
۲۱	 کدامین اسفندیار، قهرمان گستراننده دین بهی یا کشته سریر قدرت؟
۲۱	 کدامین اسفندیار
۸۹	 سیمرخ
۹۵	 داستان رستم و اسفندیار
۹۶	 آغاز داستان
۹۸	 خواستن اسفندیار پادشاهی را از یکن
۱۰۰	 پاسخ دادن گشتاسب پسر را
۱۰۲	 پند دادن کتایون اسفندیار را
۱۰۴	 لشکر آوردن اسفندیار بزابل
۱۰۵	 فرستادن اسفندیار بهمن را بنزد رستم
۱۰۸	 رسیدن بهمن بنزد زال
۱۰۹	 پیغام دادن بهمن رستم را
۱۱۱	 پاسخ دادن رستم بهمن را
۱۱۴	 بازگشتن بهمن
۱۱۵	 رسیدن رستم و اسفندیار با یکدیگر
۱۱۸	 نخواندن اسفندیار رستم را بمهمانی
۱۲۰	 پوزش کردن اسفندیار از ناخواندن رستم بمهمانی
۱۲۲	 نکوهش کردن اسفندیار نژاد رستم را

- پاسخ رستم با اسفندیار و ستایش نژاد و کردار خود ۱۲۳
- ستایش کردن اسفندیار نژاد خویش را ۱۲۵
- ستایش کردن رستم پهلوانی خود را ۱۲۶
- می خوردن رستم با اسفندیار ۱۲۹
- بازگشتن رستم بایوان خویش ۱۳۳
- پند دادن زال رستم را ۱۳۵
- جنگ رستم با اسفندیار ۱۳۷
- کشته شدن پسران اسفندیار از دست زواره و فرامرز ۱۴۰
- گریختن رستم به بالای کوه ۱۴۳
- رای زدن رستم با خویشان ۱۴۶
- چاره ساختن سیمرغ رستم را ۱۴۷
- بازگشتن رستم به جنگ اسفندیار ۱۵۱
- تیر انداختن رستم اسفندیار را به چشم ۱۵۳
- اندرز کردن اسفندیار رستم را ۱۵۶
- بردن پشتوتن تابوت اسفندیار نزد گشتاسب ۱۵۹
- باز فرستادن رستم بهمن را بایران ۱۶۳

مقدمه

در دوران شکوفایی ساسانیان فعالیت‌های فرهنگی درکنار دیگر دست آوردهای علمی و هنری به اوج خود رسید و آثاری مهم در زمینه کتاب‌های دینی و حماسی نوشته شدند که شاهنامه را می‌توان ادامه دهنده همان فعالیت‌ها در دوران ساسانی دانست.

برانداز کردن رویدادها و مناسبات گذشته با دید زمان و در نتیجه نامیدن گذشته به کمک مفاهیم زمان، یکی از ویژگی‌های ادبی و آرمانی گذشته، محدود به شاهان و پهلوانان در قلمروی رزم و بزم نمی‌شود، باورهای دینی آنها نیز به مفهوم و اصطلاح‌های زمان شاعر آمیخته است.

فردوسی و سنت و نوآوری در حماسه سرایی / صفحه ۱۵۸ / محمود عبادیان / انتشارات گهر الیگودرز / ۱۳۶۹

در واقع فردوسی با استفاده از منابع بجا مانده از همان دوران که هنوز در بستر جامعه و حافظه مردمان جاری بود استفاده نمود و آن را با روح زمان درآمیخت و در کتابی ماندگار بیادگار گذاشت. که خود در این باره در شاهنامه اشاره‌هایی می‌کند

فراوان بدو اندرون داستان

یکی نامه بود از گه باستان

آثار حماسی در ادبیات اغلب کشورها و زبان‌ها آمده است، پهلوانان حماسی در ادبیات جهان دارای خصوصیتی خارج از عرف بوده و

هر کدام به نوعی دارای قدرتی استثنایی می‌شوند، یکی دارای تولدی شگفت‌انگیز و دیگری کودکی خارق‌العاده‌ای را پشت سر نهاده و یا از نیروهای ماورا طبیعی برخوردار است و اشتراک آنان در نحوه‌ی مرگ آنان است که اکثراً به یک فاجعه و تراژدی ختم می‌شود.

حماسه‌ها، بسته به جامعه‌ای که آنان را خلق کرده‌اند دارای ارزش‌های خاصی هستند و فردوسی با جهان بینی ویژه خود در خلال بیان حماسی داستان‌ها و بویژه پایان آنها مردمان را با حقایق زندگی دنیوی آشنا می‌سازد و می‌گوید گیتی محل برخورد دائمی خیر و شر بوده و بهتر است تا انسان در جبهه‌ی خیر باشد تا نام نیکی از خود بیادگار بگذارد.

در آغاز، آن دو «مینو»ی همزاد و در اندیشه و گفتار و کردار [یکی] نیک و [دیگری] بد، با یکدیگر سخن گفتند.
از آن دو، نیک آگاهان راست را برگزیدند، نه دژ آگاهان.

اوستا جلد ۱ / صفحه ۱۴ / گزارش جیل دوستخواه / دفتر یکم گاهان یسنه،
هات ۳۰ بند ۳

فردوسی همچنان دیگر ایرانیان آزاده، از تعصب و نژادپرستی بیگانگان و خلفای ریاکار عباسی بیزار بوده و با آینده‌نگری خاص خود کار سترگ نوشتن شاهنامه را آغاز نمود و همت و مکتب و عمر خود را در راه به بار نشستن درخت تنومند ادب پارسی صرف نمود. قهرمانان شاهنامه همه در راه خیر مبارزه می‌کنند و مدام در حال پیکار با نیروهای شر و اهریمنی هستند و همه در کنار هم فکری بجز آبادانی و سرفرازی ایران نداشته و فردوسی آن را در گفتار خود به زیبایی تمام بیان کرده است.

فردوسی در شخصیت پردازی اشخاص گاه حکیمی می‌شود جهان‌نیده و گاه همچون روانشناسی ماهر، و آنچنان جزئیات روحی و

رفتاری آنان را پرداخت می‌کند که خواننده امروزین به آسانی پی به علت واکنش و برخوردهای اشخاص داستان در برابر رویدادها می‌برد. در داستان اسفندیار نیز به خوبی توانست همچون روانشناسی خبره شخصیت اسفندیار را تحلیل نموده و علت رفتارهای غیرقابل پیش بینی او را به خواننده نشان دهد.

با توجه به تغییر شخصیت گشتاسب در شاهنامه که با متون دینی و اوستا تفاوت فاحش دارد، هر کدام از شاهنامه پژوهان نظری را ارائه نموده اند که در اینجا فقط به یکی از آنان اشاره می‌شود.

"شاید بتوان چنین پنداشت که یکی از عوامل تغییر شخصیت گشتاسب [در شاهنامه]، مبارزه فردوسی و دیگر ایران دوستان هم فکر او، یا حکام عصر، اعم از ترک و تازی باشد. به دیگر سخن، تغییر شخصیت گشتاسب، حاصل اهداف سیاسی شاعر و راویانی بوده است که روایت‌هایی را برخلاف متون دینی زردشتی انتشار داده بودند، چه با گردش شخصیت گشتاسب که ساسانیان خود را بدو منسوب می‌کردند، حکومت ساسانی و شیوه حکم رانی آن‌ها مورد نقد قرار می‌گرفت؛ یعنی حکومتی که محمود غزنوی مدعی پیوند با آن بود؛ که البته در نوع شکل‌گیری و زمان سیطره شباهت‌هایی بسیار به شیوه حکم رانی ساسانیان دارد. بنابراین شاعر، چهره حقیقی سلطنت ترکان و تازیان را که طریق حکومت ساسانی را می‌پمودند و به استبداد دینی و تمرکز قدرت روی آورده بودند، آشکار می‌کند. فردوسی و راویان هم فکر او با چرخش احوال گشتاسب، قصد مبارزه با همه کسانی را داشتند که هم چون او می‌اندیشیدند و می‌گفتند و عمل می‌کردند."

پژوهشنامه فرهنگ و ادب "مقاله در این کهنه محراب"

سال هفتم بهار و تابستان ۱۳۹۰ شماره ۱۱